



ارائه الگوی ریسک سیاسی و شناسایی پیامدهای مرتبط با آن با تأکید بر سوگیری‌های رفتاری مدیران

سمیه قنبری^۱، آریتا جهانشاد^۱، زهرا پورزمانی^۱

۱. گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: azitajahanshad@iau.ac.ir

چکیده

هدف این پژوهش ارائه یک الگوی جامع برای تحلیل ریسک سیاسی و شناسایی پیامدهای آن با تمرکز بر نقش سوگیری‌های رفتاری مدیران در فرآیند تصمیم‌گیری سازمانی است. این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، کیفی مبتنی بر فراترکیب است که با مرور نظام‌مند متون علمی شامل مقالات، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها در بازه زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۴ شمسی و ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ میلادی انجام شد؛ انتخاب مطالعات با معیارهای ورود و خروج مشخص و ارزیابی کیفیت با ابزار CASP صورت گرفت و در نهایت ابعاد الگو استخراج و طبقه‌بندی شد. نتایج نشان داد که ریسک سیاسی در سطوح کلان و خرد به‌طور معناداری با تصمیم‌گیری مدیران مرتبط است و سوگیری‌های رفتاری نقش میانجی و تعدیل‌کننده دارند؛ همچنین ابعاد کلیدی شامل تحلیل و ارزیابی ریسک، پاسخ و مدیریت ریسک، پیامدهای سازمانی، حاکمیت شرکتی، یادگیری سازمانی و توان تصمیم‌گیری مدیران به‌عنوان اجزای اصلی مدل شناسایی شدند. یافته‌ها حاکی از آن است که درک همزمان ریسک‌های سیاسی و سوگیری‌های رفتاری مدیران می‌تواند به بهبود کیفیت تصمیم‌گیری، کاهش عدم‌اطمینان و افزایش کارایی سازمان‌ها در محیط‌های ناپایدار سیاسی منجر شود و چارچوب پیشنهادی می‌تواند به‌عنوان ابزاری راهبردی در مدیریت ریسک مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌گان: ریسک سیاسی، سوگیری رفتاری مدیران، بحران‌های مالی، حاکمیت شرکتی، فراترکیب

تاریخ ارسال: ۱ دی ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۵ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۴ خرداد ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ فروردین ۱۴۰۶



How to cite: Ghanbari, S., Jahanshad, A., & Pourzamani, Z. (2027). Presenting a Political Risk Model and Identifying Its Consequences with Emphasis on Managerial Behavioral Bias, *Education, and Sustainable Development*, 4(1), 1-24.



© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Presenting a Political Risk Model and Identifying Its Consequences with Emphasis on Managerial Behavioral Bias

Somyieh Ghanbari¹, Azita Jahanshad^{1*}, Zahra Pourzamani¹

1. Department of Accounting, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: azitajahanshad@iau.ac.ir

Abstract

This study aims to develop a comprehensive model for analyzing political risk and identifying its consequences with a focus on the role of managerial behavioral biases in organizational decision-making. This applied study adopts a qualitative meta-synthesis approach based on a systematic review of literature including articles, books, and theses published between 2000 and 2025 (and 1370–1404 in the Persian calendar); studies were selected using predefined inclusion/exclusion criteria and evaluated through the CASP framework, leading to extraction and categorization of model dimensions. Results indicate that political risk at both macro and micro levels significantly influences managerial decision-making, with behavioral biases acting as mediating and moderating mechanisms; key dimensions identified include risk analysis and evaluation, risk response and management, organizational consequences, corporate governance, organizational learning, and managerial decision-making capacity. The findings suggest that integrating political risk assessment with an understanding of managerial behavioral biases enhances decision quality, reduces uncertainty, and improves organizational resilience in politically unstable environments, and the proposed model serves as a strategic tool for risk management.

Keywords: *Political risk, Managerial behavioral bias, Financial crises, Corporate governance, Meta-synthesis*

Submit Date: 22 December 2025

Revise Date: 21 April 2026

Accept Date: 25 April 2026

Initial Publish Date: 25 May 2026

Final Publish Date: 21 March 2027

ریسک سیاسی به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین و چندبعدی‌ترین انواع ریسک، در دهه‌های اخیر به‌طور فزاینده‌ای در کانون توجه پژوهشگران حوزه‌های مالی، مدیریت و سیاست‌گذاری قرار گرفته است. این نوع ریسک که از تغییرات در ساختارهای سیاسی، قوانین، سیاست‌های عمومی و حتی رویدادهای ژئوپلیتیکی ناشی می‌شود، می‌تواند پیامدهای عمیقی بر عملکرد بنگاه‌ها، بازارهای مالی و تصمیمات سرمایه‌گذاری داشته باشد. در ادبیات معاصر، ریسک سیاسی نه‌تنها به‌عنوان یک عامل برون‌زا، بلکه به‌عنوان یک متغیر پویا و تعاملی در نظر گرفته می‌شود که در تعامل با ویژگی‌های درون‌سازمانی و رفتار مدیران، نتایج متفاوتی را رقم می‌زند (Marolla, 2023; Panesh, 2025).

در چارچوب نظری، ریسک سیاسی شامل طیفی از عدم‌اطمینان‌ها در سطح کلان و خرد است که می‌تواند از تغییرات ناگهانی در سیاست‌های اقتصادی، قوانین مالیاتی، تحریم‌ها، یا بی‌ثباتی‌های سیاسی ناشی شود. این عوامل می‌توانند ساختار هزینه‌ها، جریان‌های نقدی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار دهند و در نهایت بر ارزش‌گذاری دارایی‌ها و عملکرد مالی اثرگذار باشند (Sadeghi & Jalali, 2024; Soleimani, 2024). به‌ویژه در اقتصادهای در حال توسعه، شدت و دامنه این ریسک‌ها بیشتر بوده و اثرات آن‌ها بر تصمیمات سرمایه‌گذاری و خروج سرمایه قابل توجه است (Abbaspour & Salehi, 2021; Zare et al., 2021).

از سوی دیگر، ادبیات تجربی نشان می‌دهد که ریسک سیاسی به‌طور مستقیم بر تصمیمات مالی و استراتژیک شرکت‌ها اثر می‌گذارد. به‌عنوان مثال، افزایش عدم‌اطمینان سیاسی می‌تواند منجر به کاهش سرمایه‌گذاری، تغییر در ساختار تأمین مالی و افزایش محافظه‌کاری در تصمیمات مدیریتی شود (Amini & Bahrami, 2021; Asgari & Rahimi, 2024). همچنین شواهد نشان می‌دهد که شرکت‌ها در مواجهه با ریسک‌های سیاسی، رفتارهای انطباقی متفاوتی اتخاذ می‌کنند که این رفتارها می‌تواند شامل کاهش سرمایه‌گذاری‌های پرریسک، افزایش ذخایر نقدی یا تغییر در سیاست‌های سود باشد (Bird et al., 2023; Huang et al., 2023).

در همین راستا، برخی مطالعات به بررسی تأثیر ریسک سیاسی بر عملکرد مالی و گزارشگری شرکت‌ها پرداخته‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که افزایش ریسک سیاسی می‌تواند منجر به کاهش عملکرد مالی و افزایش عدم شفافیت اطلاعاتی شود، به‌گونه‌ای که مدیران در چنین شرایطی ممکن است به مدیریت سود یا پنهان‌سازی اطلاعات منفی روی آورند (Afshari & Soltani, 2024; Gupta et al., 2025; Jafari, 2025). این موضوع نشان‌دهنده آن است که ریسک سیاسی نه‌تنها بر متغیرهای اقتصادی اثر می‌گذارد، بلکه رفتارهای مدیریتی و کیفیت تصمیم‌گیری را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

علاوه بر این، ریسک سیاسی با سایر انواع ریسک‌های نوظهور، از جمله ریسک‌های محیط‌زیستی و سیاست‌های اقلیمی، درهم‌تنیده شده است. برای مثال، تغییرات در سیاست‌های اقلیمی می‌تواند به‌عنوان یک نوع ریسک سیاسی تلقی شود که بر قیمت‌گذاری دارایی‌ها و تصمیمات اعتباری بانک‌ها اثرگذار است (Delis et al., 2024). همچنین ارتباط بین ریسک سیاسی و پایداری سازمانی، از طریق متغیرهایی مانند مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و مدیریت منابع انسانی سبز، مورد توجه قرار گرفته است (Aftab & Veneziani, 2024; Ashraf et al., 2024; Lotfi & Delshad, 2026).

با این حال، یکی از مهم‌ترین ابعاد مغفول در بسیاری از مطالعات، نقش سوگیری‌های رفتاری مدیران در مواجهه با ریسک سیاسی است. در حالی که نظریه‌های سنتی مالی فرض می‌کنند که مدیران تصمیماتی عقلایی اتخاذ می‌کنند، شواهد حاصل از مالی رفتاری نشان می‌دهد که تصمیمات مدیریتی اغلب تحت تأثیر سوگیری‌های شناختی و احساسی قرار دارند. این سوگیری‌ها می‌توانند نحوه ادراک ریسک، ارزیابی اطلاعات و انتخاب گزینه‌های استراتژیک را تغییر دهند (Ghasemi & Khanavar, 2021; Hassani Kalvani et al., 2023).

در این چارچوب، سوگیری‌هایی مانند خوش‌بینی بیش از حد، اعتماد به نفس کاذب، یا تمایل به حفظ وضعیت موجود می‌توانند باعث شوند مدیران ریسک‌های سیاسی را کمتر یا بیشتر از حد واقعی برآورد کنند و در نتیجه تصمیماتی اتخاذ نمایند که لزوماً بهینه نیستند. این موضوع

به‌ویژه در شرایط عدم اطمینان بالا اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا اطلاعات ناقص و محیط‌های پیچیده، زمینه را برای بروز خطاهای شناختی فراهم می‌سازند (Colak & Loukopoulos, 2025; Kim et al., 2024).

از منظر سیاست‌گذاری، طراحی ابزارها و چارچوب‌های مناسب برای مدیریت ریسک سیاسی نیازمند درک عمیق از تعامل بین عوامل محیطی و رفتاری است. در این راستا، برخی پژوهش‌ها بر اهمیت طراحی سیاست‌های مقاوم در برابر عدم اطمینان و کاهش اثرات ریسک‌های سیاسی تأکید کرده‌اند (Howlett & Migone, 2025; Xu & Shi, 2025). این مطالعات نشان می‌دهند که اتخاذ رویکردهای سیستمی و چندبعدی می‌تواند به بهبود تاب‌آوری سازمان‌ها و کاهش آسیب‌پذیری آن‌ها در برابر شوک‌های سیاسی کمک کند.

علاوه بر این، نقش متغیرهای سازمانی مانند فرهنگ سازمانی، مدیریت دانش و شهرت شرکت نیز در تعدیل اثرات ریسک سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. به‌طور خاص، سازمان‌هایی که از سیستم‌های مدیریت دانش قوی‌تر و فرهنگ سازمانی انعطاف‌پذیرتری برخوردارند، قادرند بهتر با عدم اطمینان‌های سیاسی سازگار شوند و تصمیمات مؤثرتری اتخاذ کنند (Arduini et al., 2024). همچنین آگاهی محیطی و اعتماد سبز در رفتار مصرف‌کنندگان و تصمیمات بازار نیز می‌تواند تحت تأثیر شرایط سیاسی و سیاست‌های عمومی قرار گیرد (Asif et al., 2023). در سطح کلان، ریسک سیاسی می‌تواند بر جریان‌های سرمایه، بازده دارایی‌ها و پویایی بازارهای مالی تأثیرگذار باشد. مطالعات نشان داده‌اند که افزایش ریسک سیاسی با کاهش بازده دارایی‌ها و افزایش نوسانات بازار همراه است و این امر می‌تواند منجر به تغییر در استراتژی‌های سرمایه‌گذاری شود (Jamshidi & Hosseinzadeh, 2023). همچنین تغییرات در قوانین مالیاتی و سیاست‌های دولتی می‌تواند رفتار سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار دهد (Jafari & Hosseini, 2022).

با توجه به این مباحث، روشن است که تحلیل ریسک سیاسی نیازمند رویکردی جامع و یکپارچه است که بتواند ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و رفتاری را به‌طور همزمان در نظر گیرد. در این میان، توسعه مدل‌هایی که بتوانند تعامل بین ریسک سیاسی و سوگیری‌های رفتاری مدیران را تبیین کنند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا چنین مدل‌هایی می‌توانند به درک بهتر فرآیندهای تصمیم‌گیری و بهبود عملکرد سازمان‌ها کمک کنند.

بر این اساس، هدف پژوهش حاضر ارائه الگوی جامع ریسک سیاسی و شناسایی پیامدهای مرتبط با آن با تأکید بر نقش سوگیری‌های رفتاری مدیران در تصمیم‌گیری‌های سازمانی می‌باشد.

روشناسی

ماهیت پژوهش حاضر، کاربردی است، چرا که نتایج این پژوهش مورد استفاده شرکت‌های درگیر با ریسک سیاسی قرار خواهد گرفت. روش اجرای این پژوهش ترکیبی (از نوع کیفی) است. علت استفاده از این روش، آن است که طراحی الگوی برای تجزیه و تحلیل ریسک سیاسی و شناسایی پیامدهای مرتبط با آن با تأکید بر سوگیری رفتاری مدیران باید مشهود و عینی باشد، اما شناسایی عوامل موثر بر کم‌وکیف ارزیابی الگو برای تجزیه و تحلیل ریسک سیاسی و شناسایی پیامدهای مرتبط با آن با تأکید بر سوگیری رفتاری مدیران صرفاً با روش کمی قابل درک نیست؛ بنابراین از روش کیفی فراترکیب برای ارائه الگو و شناسایی عوامل موثر در الگو استفاده شده است. جامعه آماری مقاله حاضر مقالات و کتب و رساله‌ها و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع تحقیق حد فاصل سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۴ و سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ می‌باشد.

یافته‌ها

نخستین گام در روش فراترکیب، تنظیم پرسش‌های پژوهش است. این پرسش‌ها عموماً براساس چهار پارامتر چه‌چیزی، چه کسی، چه زمانی و چگونه قابل تنظیم است. در گروه‌بندی و تحلیل ابعاد تدوین عوامل موثر بر ارائه الگوی برای تجزیه و تحلیل ریسک سیاسی و شناسایی پیامدهای مرتبط با آن با تأکید بر سوگیری رفتاری مدیران مورد سوال قرار گرفته است.

جدول ۱. پرسش‌های پژوهش

پارامتر	پرسش پژوهش
چه چیزی (What)	شناسایی عوامل موثر بر ارائه الگوی برای تجزیه و تحلیل ریسک سیاسی و شناسایی پیامدهای مرتبط با آن با تاکید بر سوگیری رفتاری مدیران
چه کسی (Who)	آثار مختلف اعم از کتاب، مقاله، گزارش در زمینه عوامل موثر بر ارائه الگوی برای تجزیه و تحلیل ریسک سیاسی و شناسایی پیامدهای مرتبط با آن با تاکید بر سوگیری رفتاری مدیران
چه وقت (When)	دربگیرنده تمامی آثار در سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۴ و سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵
چگونه (How)	بررسی موضوعی، شناسایی و یادداشت برداری، نکته‌های کلیدی، تحلیل مفاهیم

در گام اول مربوط به روش اجرای فراترکیب باید به تنظیم سوالهای پژوهشی پرداخته می‌شود.

گام دوم: بررسی نظام‌مند متون

پایگاه‌های علمی معتبری در سراسر دنیا و در فضای مجازی قرار دارند که به زبان‌های فارسی و انگلیسی مدنظر محقق در این پژوهش بودند لذا کلمات کلیدی که استفاده خواهند شد به هر دو بخش فارسی و انگلیسی مورد جستجو قرار گرفته‌اند. هر پژوهش و یا پژوهشگر در ابتدای پژوهش خود چکیده‌ی را ارائه داده است که در انتهای آن چکیده کلماتی را به عنوان کلمات کلیدی ارائه کرده است. پایگاه‌های علمی معتبر به استناد استفاده از این کلمات کلیدی نتایج مورد نیاز محققین دیگر را برآورده می‌کند. پژوهشهایی که در رابطه با موضوع ما است به استناد استفاده از همین کلید واژه‌ها مدنظر و جستجو قرار خواهند گرفت. هر چقدر که انتخاب کلید واژه در این بخش دقیق تر باشد پژوهش‌های یافته شده نیز متناسب با آن دقیقاً خواهند بود. در جدول زیر کلید واژه‌هایی که برای موضوع این پژوهش مدنظر قرار گرفته است را ارائه داده‌ایم.

جدول ۲. معرفی کلید واژه‌های مناسب برای انجام گام دوم روش فراترکیب

معادل فارسی مفاهیم کلیدی	واژگان کلیدی لاتین جستجو شده
مدیریت ریسک سیاسی	Political Risk Management
ریسک سیاسی و سوگیری مدیران	Political Risk and Managerial Bias
ریسک سیاسی و رفتار مدیران	Political Risk and Managerial Behavior
مدیریت ریسک سیاسی توسط مدیران	Management of Political Risk by Managers

پژوهش‌های مورد نظر برای تحلیل یافته‌ها از دو دسته پژوهش‌های داخلی و خارجی تشکیل شده‌اند. با توجه به اینکه فراترکیب یک کار کیفی می‌باشد بنابراین در ترکیب یافته‌ها هم باید دقت کنیم که یافته‌های کیفی به شدت تحت تاثیر زمینه و بافت یک موضوع قرار دارد. نکته مهمی که در فراترکیب باید به آن توجه کنیم این است که باید به زمینه و بستری که پژوهش‌های مورد نظر در آن شکل گرفته اند توجه کافی شود تا نتیجه کار نهایی ما تصویری منسجم از واقعیت را ارائه دهد.

گام سوم: جستجو و انتخاب متون مناسب

در روش فراترکیب برای پژوهش‌های جستجو شده و پیدا شده باید ملاک و معیار خاصی داشته باشیم. البته در همه روش‌های تحلیل ثانویه این قانون وجود دارد. چون در روش‌های تحلیل ثانویه این اعتقاد وجود دارد که در هر پژوهشی برای ورود به کار و انجام تحلیل نهایی مناسب نیست و لذا از بین آنها باید پالایش و غربالگری را انجام دهیم به عبارتی باید آنها را از یک فیلتر دقیق عبور دهیم تا مناسب ترین پژوهش‌ها را برای تحلیل کارمان در نظر بگیریم. منظور از ملاک‌های ورود در پژوهش‌های فراترکیب ملاک‌هایی هستند که ما بر اساس آنها دست به انتخاب پژوهش‌های جمع آوری شده می‌زنیم. در قسمت قبلی نحوه انتخاب پژوهش‌های مورد نظر را بررسی کرده‌ایم که به استناد از استفاده کلمات کلیدی آنها را جستجو کرده و در حیطه کار خود قرار می‌دهیم. اما در این بخش سعی داریم که با استفاده از ملاک‌های ورود صرفاً تنها مطالب

و یافته‌هایی که برای ما بهترین حالت ممکن را دارا هستند جمع آوری و مشخص نماییم. یا به عبارت ساده تر ما یک عمل نمونه گیری را انجام می‌دهیم. یعنی جامعه آماری ما اگر کل پژوهش‌های انجام شده در یک موضوع خاص باشد حالا نمونه مورد بررسی ما موارد انتخاب شده بر اساس ملاک‌های ورود می‌باشد.

در روش‌های کمی انواع شیوه‌های نمونه گیری وجود دارد مانند نمونه گیری تصادفی و سایر موارد. در روش‌های کیفی در کل شیوه نمونه گیری به صورت هدفمند انجام می‌شود و از آنجایی که روش فراترکیب هم زیرمجموعه تحقیقات کیفی محسوب می‌شود بنابراین در این روش هم نمونه گیری به صورت هدفمند انجام می‌شود که این هدفمندی بر اساس ملاک‌های ورود انجام می‌شود.

تنظیم این معیارها با نظر محققین و متخصصین این امر انجام خواهد شد و در این زمینه معیاری خاص و ثابت برای انجام پژوهش‌های مورد نظر وجود ندارد. در روش‌های کیفی نقش محقق بسیار پررنگ تر از روش‌های کمی می‌باشد. در روش‌های کیفی محقق برای انجام کارش از انعطاف بیشتری برخوردار است و می‌تواند خلاقیت بیشتری به کار دهد. تنظیم معیارها باید به صورتی باشد که کل یافته‌هایی که در راستای موضوع محقق انتخاب شده است را در بر بگیرد.

ملاک‌های ورود عبارتند از:

ملاک اول: مقالات و پژوهش‌های چاپ شده در حوزه مورد نظر باشند.

ملاک دوم: از آنجایی که روش فراترکیب صرفاً با داده‌های کیفی سر و کار دارد لذا مقالات و پژوهش‌هایی که با روش‌های کیفی مناسب از قبیل: مصاحبه وی مشاهده و مرور نظام‌مند کتابخانه‌ای و سایر روش‌های کیفی و همچنین مقالات کمی از جمله مقالات پیمایشی، تجربی و همبستگی که دارای نتایج کیفی بودند و به بررسی موضوع مورد نظر این پژوهش پرداخته بودند، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

ملاک سوم: تحقیقات باید داده‌ها و اطلاعات کافی را در ارتباط با اهداف پژوهش گزارش کرده باشند.

ملاک چهارم: تحقیقاتی که فرآیند بررسی تخصصی را زیر نظر داوران متخصص طی کنند و به صورت مقاله کامل از طریق برخط و یا به طور کامل چاپ شده باشند.

ملاک پنجم: مقالات و پژوهش‌های چاپ شده در حوزه مورد نظر در بین سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۴ شمسی و ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ میلادی

ملاک ششم: مقالات و پژوهش‌هایی که با روش‌های علمی به بررسی موضوع مورد نظر این پژوهش پرداختند و راهکارهای مناسب با تحلیل آن را نشان داده اند.

ملاک‌های خروج عبارتند از:

ملاک اول: پژوهش‌هایی که اطلاعات کافی در زمینه اهداف این تحقیق گزارش نداده بودند.

ملاک دوم: پژوهش‌هایی که با عناوین و اهداف یکسان انجام شده بودند.

ملاک سوم: پژوهش‌هایی که فاقد الگوی روش‌شناختی مناسب بودند.

ملاک چهارم: پژوهش‌هایی که اطلاعات کافی در زمینه اهداف این تحقیق گزارش نداده بودند.

ملاک پنجم: پژوهش‌هایی که فاقد کیفیت لازم علمی بودند از آن جا که در مجلات بی کیفیت منتشر شده بودند.

در ادامه با استفاده از روش CASP با ۱۰ شرط کیفی که در جدول زیر ذکر شده است، هر مقاله را به لحاظ کیفی مورد ارزیابی قرار گرفت. هر یک از مقالات در مواجهه با این شرایط، امتیازی از ۱ تا ۵ گرفته و مقالاتی که مجموع امتیازات آن‌ها ۳۱ و بالاتر شود به لحاظ کیفی تأیید و باقی مقالات حذف خواهند شد. سپس با توجه به امتیازی که مقالات کسب کرده‌اند آن‌ها را مطابق موارد ذیل، رتبه بندی خواهند شد. جدول ارزیابی مقالات مطابق با روش CASP در جدول زیر و جدول تعیین مؤلفه‌ی کلیدی در انتخاب مقالات تأیید شده در ادامه آورده شده‌اند.

نحوه امتیازدهی به مقالات:

۵۰ - ۴۱: عالی (E)

۳۱-۴۰: خیلی خوب (VG)

۲۱-۳۰: خوب (G)

۱۱-۲۰: متوسط (F)

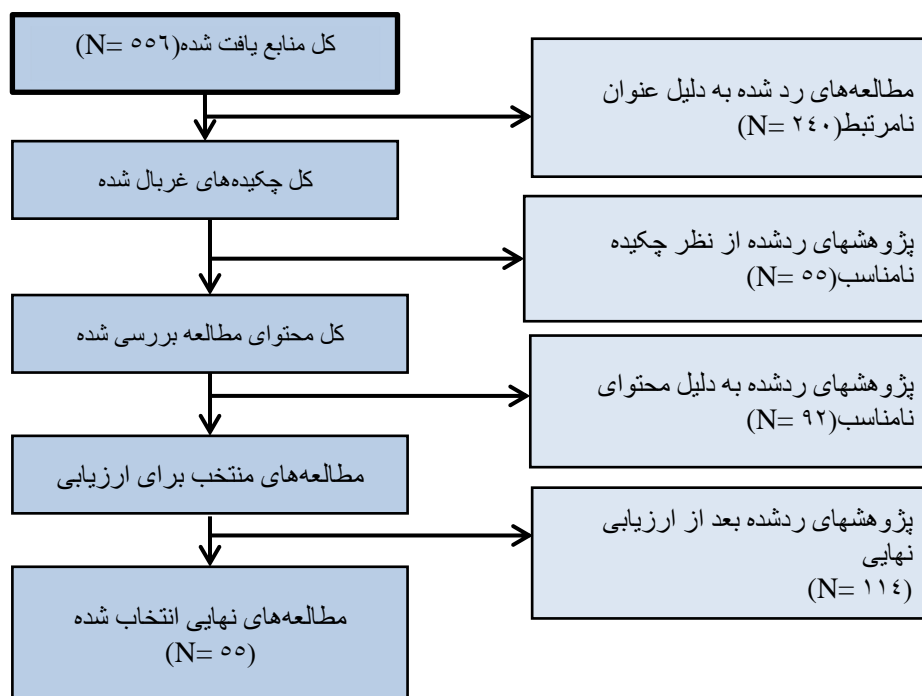
۰-۱۰: ضعیف (P)

جدول ۳. مشخصات سؤالات روش ارزیابی CASP

ردیف	عنوان سوال	توضیح سوال
	اهداف تحقیق	آیا مقاله انتخابی در راستای تحقیق (پژوهش مورد نظر شما) می‌باشد؟
	به‌روز بودن	آیا اطلاعات داخلی مقاله به روز است؟
	طرح تحقیق	تحقیقی که در مقاله طرح ریزی شده است، از نظر شما چگونه است؟
	روش نمونه برداری	جامعه‌ی آماری مورد بررسی و نمونه‌های انتخابی در این مقاله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
	جمع آوری داده‌ها	امتیاز شما به نحوه جمع آوری داده‌ها در این مقاله چیست؟
	انعکاس پذیری	آیا نکات مندرج در این مقاله را می‌توان به موارد دیگر بسط داد و از آن‌ها در جاهای دیگر استفاده نمود؟
	ملاحظات اخلاقی	آیا اصول اخلاقی نگارش مقاله مثل رعایت درج رفرنس و غیره در این مقاله رعایت شده است؟
	دقت تجزیه و تحلیل داده‌ها	دقت در تجزیه و تحلیل داده‌ها به چه میزان است؟
	بیان واضح و روشن یافته‌ها	زبان نوشتار و نیز رسایی مقاله به چه میزان است؟
	ارزش تحقیق	ارزش کلی این مقاله به چه میزان است؟

بنابراین مقالات با امتیاز بالای ۳۱ تایید و مقالات با امتیاز زیر ۳۱ حذف شدند.

در این مرحله پژوهشگر در هر بازبینی تعدادی از مقالات را حذف می‌کند که این مقاله‌ها در فرایند فراترکیب بررسی نمی‌شوند. فرایند بازبینی و انتخاب در این پژوهش به صورت خلاصه در شکل زیر نشان داده شده است:



شکل ۱. فرایند بازبینی و انتخاب

در این گام ۵۸۰ مطالعه یافت شده در گام قبل به طور دقیق طی چند مرحله مورد بازبینی قرار می‌گیرند تا مطالعاتی که با سؤالات پژوهش متناسب نیستند کنار گذاشته شوند و در نهایت مرتبط‌ترین مطالعات برای استخراج پاسخ سؤالات مشخص گردند. فرآیند بازبینی شامل بررسی عنوان، چکیده و محتوای پژوهش‌ها به همراه روش تحقیق مطالعات است. مراحل فرآیند بازبینی در این پژوهش به شرح زیر است:

۱. در این مرحله عنوان مطالعات بررسی شده و مطالعاتی که ارتباطی با سؤالات پژوهش نداشتند، کنار گذاشته شدند. با بررسی عنوان مطالعات، ۲۴۰ مطالعه به دلیل عدم ارتباط عنوانشان با سؤالات پژوهش کنار گذاشته شدند و ۳۱۶ مطالعه برای بررسی بیشتر وارد مرحله بعد شدند.

۲. در این مرحله چکیده مطالعات بررسی شده و مطالعاتی که ارتباطی با سؤالات پژوهش نداشتند، کنار گذاشته شدند. با مطالعه چکیده مطالعات، ۵۵ مطالعه به دلیل عدم ارتباط چکیده با سؤالات پژوهش کنار گذاشته شدند و ۲۶۱ مطالعه برای بررسی بیشتر وارد مرحله بعد شدند.

۳. در این مرحله محتوای مطالعات بررسی شدند، به عبارتی کل پژوهش مطالعه شده و مطالعاتی که ارتباطی با سؤالات پژوهش نداشتند، کنار گذاشته شدند. با بررسی محتوای مطالعات، ۹۳ مطالعه غیر مرتبط با سؤالات پژوهش کنار گذاشته شدند و ۱۶۹ مطالعه برای بررسی بیشتر وارد مرحله بعد شدند.

۴. از آن جایی که این پژوهش قصد دارد با استفاده از ترکیب مطالعات گذشته، چارچوب تحقیق را استخراج کند، مطابق با نظر متخصصان فراترکیب مطالعات با روش تحقیق‌های کیفی و کمی مورد بررسی قرار می‌گیرند. لذا در این مرحله مطالعه‌ای به دلیل روش تحقیق حذف نگردیده است.

پس از حذف مطالعات نامتناسب با اهداف و سؤالات پژوهش، محقق باید کیفیت روش‌شناختی پژوهش‌ها را ارزیابی کند. هدف از این گام حذف پژوهش‌هایی است که محقق به یافته‌های ارائه شده در آن‌ها اعتمادی ندارد. ابزاری که معمولاً برای ارزیابی کیفیت مطالعات اولیه تحقیق کیفی استفاده می‌شود "برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی" می‌باشد که با طرح ده سؤال کمک می‌کند تا دقت، اعتبار و اهمیت مطالعات کیفی تحقیق مشخص گردد. این سؤالات بر موارد زیر تمرکز دارند: ۱. اهداف تحقیق ۲. منطق روش‌شناسی ۳. طرح تحقیق ۴. روش نمونه‌برداری ۵. جمع‌آوری داده‌ها ۶. انعکاس‌پذیری (که به رابطه بین محقق و مشارکت‌کنندگان اشاره دارد) ۷. ملاحظات اخلاقی ۸. دقت تجزیه و تحلیل داده‌ها ۹. بیان واضح و روشن یافته‌ها ۱۰. روش تحقیق.

جدول ۴. مقالات منتخب

کد مقاله	عنوان
S۰۱	بررسی تأثیرگذاری ریسک سیاسی بر مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها با تأکید بر نقش تعدیل‌کننده انعطاف‌پذیری عملیاتی و ثبات مدیریت شرکت
S۰۲	Political favouritism and investment efficiency
S۰۳	Political geography and stock returns: The value and risk implications of proximity to political power
S۰۴	تأثیر ریسک سیاسی در سطح شرکت بر مدیریت سود
S۰۵	Political connections and corporate investments: Evidence from the recent anti-corruption campaign in China
S۰۶	بررسی ابعاد ریسک سیاسی در تعامل اقتصادی با کشورهای منطقه غرب آسیا و ضرورت پوشش آن
S۰۷	Theoretical Aspects of the Political Risk Management Model
S۰۸	The impact of political connections and business groups on cash holdings: Evidence from Chinese listed firms
S۰۹	International projects and political risk management by multinational enterprises: insights from multiple emerging markets
S۱۰	Political risk and the commercial sector – Aligning theory and practice
S۱۱	The effect of political sensitivity and bargaining power on taxes: Evidence from federal contractors
S۱۲	Policy Uncertainty, Bad News Disclosure, and Stock Price Crash Risk
S۱۳	Political connections and accounting conservatism

Political cost incentives for earnings management in the cable television industry	S۱۴
The dynamics of global risks: Sociopolitical risks in strategic management and policy decisions	S۱۵
Idiosyncratic Political Risk and Bad News Hoarding	S۱۶
Does firm-level political risk influence earnings management?	S۱۷
Research on the national security risk assessment model: a case study of political security in China	S۱۸
Measuring Economic Policy Uncertainty	S۱۹
How Do Firms Respond to Political Uncertainty? Evidence From U.S. Gubernatorial Elections	S۲۰
Political Uncertainty and IPO Activity: Evidence From U.S. Gubernatorial Elections	S۲۱
Corporate political contributions and stock returns	S۲۲
Policy Uncertainty and Textual Disclosure.	S۲۳
Local Policy Uncertainty and Firm Disclosure.	S۲۴
Firm-Level Political Risk and Earnings Opacity	S۲۵
Firm-Level Political Risk and Distance-to-Default	S۲۶
Political uncertainty and accounting conservatism	S۲۷
Firm-Level Political Risk and Debt Choice	S۲۸
Political Uncertainty and Corporate Investment Cycles	S۲۹
Political connection, market frictions and financial constraints: evidence from China	S۳۰
بررسی تاثیر ارتباطات سیاسی بر سرمایه‌گذاری بیشتر از حد و عملکرد شرکت	S۳۱
Policy uncertainty and corporate investment	S۳۲
Political costs and earnings management of oil companies during the ۱۹۹۰ Persian Gulf crisis	S۳۳
Political Connections and SEC Enforcement	S۳۴
Firm-level political risk and credit markets	S۳۵
Political uncertainty and corporate investment cycles	S۳۶
Do Political Boundaries Affect Firm Boundaries?	S۳۷
Political Uncertainty and Accounting Conservatism	S۳۸
بررسی رابطه بین نفوذ سیاسی و کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران	S۳۹
Does Corporate Diversification Retrench the Effects of Firm-Level Political Risk?	S۴۰
The management of political risk	S۴۱
Political uncertainty and investment: Causal evidence from U.S. gubernatorial elections	S۴۲
Firm-Level Political Risk: Measurement and Effects	S۴۳
Beyond evidentiary uncertainty: mitigating political risks in policy designs	S۴۴
ارتباطات سیاسی، سودنقدی و بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران	S۴۵
Firm-level political risk: Measurement and effects	S۴۶
Firm-level political risk and the cash flow sensitivity of cash	S۴۷
Political Uncertainty and Firms' Information Environment: Evidence from China	S۴۸
تأثیر ارتباطات سیاسی بر سیاست‌های تأمین مالی	S۴۹
تأثیر ریسک اقتصادی، سیاسی و مالی بر فرار سرمایه: رهیافت پنل پویا	S۵۰
The financial reporting consequences of proximity to political power	S۵۱
Policy Uncertainty and Accounting Quality	S۵۲
Policy Uncertainty and Corporate Investment	S۵۳
بررسی تأثیر هزینه‌های سیاسی بر هموارسازی سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران	S۵۴
Does Firm-Level Political Risk Influence Corporate Social Responsibility (CSR)?	S۵۵

با هدف افزایش کیفیت نتایج پژوهش، در این مرحله مقاله‌های باقیمانده از نظر کیفیت روش‌شناختی مطالعه شدند تا مقاله‌هایی که از نظر روش‌شناختی در کیفیت پایین قرار دارند از فرآیند کنار گذاشته شوند برای همین منظور از ابزار کنترل کیفیت روبریک (CASP) بر اساس ده معیار ارزیابی کیفیت (وضوح اهداف و اهمیت پژوهش، تناسب و تطابق روش پژوهش، تناسب و تطابق طرح پژوهش، تناسب روش انتخاب مشارکت‌کنندگان، تناسب روش جمع‌آوری داده‌ها، رابطه پژوهشگر و مشارکت‌کنندگان، ملاحظات اخلاقی، دقت تجزیه و تحلیل، بیان روشن یافته‌ها و ارزش پژوهش) استفاده گردید (ریدر و لنسولت، ۲۰۱۸) و براین اساس تعداد ۵۵۶ مقاله وارد ارزیابی شده و بر اساس معیار ده‌گانه مورد ارزیابی قرار گرفت که نتیجه تحلیل ساختاری و محتوایی مقالات تأیید ۵۵ مقاله بوده است.

سرانجام پس از چهار مرحله پالایش از میان ۵۵۶ مطالعه، ۵۰۱ مورد آن حذف، و ۵۵ پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات انتخاب گردید. در این پژوهش، این ارزیابی در خصوص کدهای استخراجی انجام شده است. وضعیت کدگذاری محقق اول و دوم در جدول و نتایج تحلیل‌های حاصل از نرم افزار آماری SPSS در جدول نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، عدد معناداری به‌دست آمده برای شاخص کاپا کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض استقلال کدهای استخراجی رد و وابستگی کدهای استخراجی به یکدیگر تأیید می‌شود، بنابراین می‌توان ادعا کرد که ابزار مورد استفاده برای استخراج کدها از پایایی کافی برخوردار بوده‌اند.

جدول ۵: متقاطع کدگذار اول و دوم

	نظر کدگذار دوم		مجموع کدگذار اول
	بله	خیر	
نظر کدگذار اول	۵۰	۳	۵۳
	۲	۰	۲
مجموع کدگذار دوم	۵۲	۳	۵۵

جدول ۶: مقادیر اندازه توافق

عدد معناداری	مقدار	کاپای مقدار توافق
۰/۰۰۱	۰/۸۷۴	تعداد موارد
	۵۵	

گام چهارم: استخراج اطلاعات مقالات منتخب

در این پژوهش، اطلاعات پژوهش‌های منتخب در جدولی دسته‌بندی گردید. در جدول زیر کدهای شناسایی شده از منابع منتخب مشخص شدند.

جدول ۷: نمونه‌ای از کدهای استخراج شده از مقالات منتخب

منبع	کد اولیه (مفهوم)
S16-S18-S19-S39-S41	ثبات سیاسی کشور
S11-S19-S17-S23-S40-S52-S8-S43-S49-S29	تغییرات رژیم
S16-S19-S30-S64	سیاست‌های اقتصادی دولت
S6-S9-S38	سطح تحریم‌های بین‌المللی
S6-S13-S31-S32-S35	روابط دیپلماتیک
S9-S37-S53	سطح فساد دولتی
S1-S2-S3-S4-S5-S6-S8-S19-S55-S47-S20	سیاست‌های تجاری و گمرکی
S44-S47-S13-S16-S19-S21-S38	نوسانات قوانین مالیاتی
S1-S3-S5-S7-S14-S22-S47	رفتار نهادهای نظارتی
S5-S7-S10-S16-S18-S26-S29-S30-S38-S41-S45-S46-S50-S55	تصمیمات ناگهانی محلی

S2-S4-S16-S12-S13-S20-S22-S27-S31-S32	میزان مداخله دولت در فعالیت شرکت‌ها
-S7-S10-S16-S18-S26-S29-S30-S38-S41-S45-S46-S50-S55	وابستگی به مقامات محلی
S38-S48-S59-S42	تغییرات سیاست‌های تخصیص منابع
S6-S17-S36-S43	سوگیری اعتماد به نفس بیش از حد
S17-S18-S25-S28-S30-S44-S48-S50-S51-S54-S55	سوگیری خوش‌بینی
S8-S16-S18-S26-S29-S30-S39-S41-S22-S46-S50-S53	سوگیری تأیید
S17-S18-S25-S28-S30-S44-S48-S50-S51-S54-S55-S18-S9-S10-S13	سوگیری در دسترس بودن
S1-S3-S39-S27-S16	سوگیری گله‌ای
S1-S16-S18-S29	سوگیری لنگرگیری
S1-S16-S27-S33-S68	ترس از زیان
S1-S16-S27-S15-S19	شناسایی منابع ریسک
S1-S11-S21-S25	سنجش احتمال وقوع
S1-S16-S12-S19-S28-S36	ارزیابی شدت تأثیر
S1-S16-S27-S28-S33	تحلیل حساسیت تصمیمات
S1-S40-S41-S16-S34	رتبه‌بندی ریسک‌ها
S1-S41-S63-S47-S40	استفاده از سناریوها و مدل‌های پیش‌بینی
S1-S2-S5-S7-S9-S10-S16-S15-S40-S41	استراتژی‌های اجتناب، انتقال، کاهش یا پذیرش ریسک
S4-S16-S30-S23	طراحی سناریوهای جایگزین
S1-S5-S38-S49	ایجاد روابط با ذینفعان سیاسی
S1-S2-S40-S44	تنوع‌بخشی جغرافیایی یا ارزی
S1-S3-S5-S6-S16-S22-S27-S32	تقویت ظرفیت تطبیق سازمانی
S32-S38-S40-S44	تغییر در هزینه سرمایه
S1-S3-S7-S12-S16-S43	کاهش جریان نقدی
S1-S2-S6	کاهش سودآوری
S11-S14-S17	اختلال در زنجیره تأمین
S10-S17-S30-S49-S30	کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران
S1-S2-S5-S9-S19-S27-S36	افزایش هزینه‌های انطباق
S3-S4-S8-S18	تأخیر در پروژه‌ها
S1-S2-S6-S56-S7-S33-S38-S44	کیفیت قضاوت در شرایط عدم قطعیت
S10-S16-S17-S20-S22-S26	میزان تحلیل منطقی در تصمیم‌گیری
S1-S2-S5-S9	نقش تجربه و شناخت محیطی
S16-S19-S28	تأثیر احساسات بر تصمیمات
S8-S17-S20-S22	تمایل به ریسک‌پذیری یا ریسک‌گریزی
S14-S22-S29	استقلال هیأت‌مدیره
S17-S18-S26	مکانیزم‌های کنترل داخلی
S1-S9-S16-S33	شفافیت اطلاعاتی
S34-S35	وجود کمیته ریسک
S1-S18-S21-S35	سطح پاسخگویی مدیران
S15-S27	آموزش شناختی مدیران
S26-S28-S31	بازخورد تصمیمات گذشته
S10-S17-S23-S49	استفاده از داده‌های رفتاری
S16-S18-S22-S27	سیستم هشدار زودهنگام
S9-S21-S36-S48-S53-S50	فرهنگ یادگیری از خطا



شکل ۲. ابر کدها

گام پنجم: تجزیه و تحلیل یافته‌های کیفی

پژوهشگر در طول تجزیه و تحلیل، موضوعاتی را جستجو می‌کند که در میان مطالعه‌های موجود در فراترکیب پدیدار شده است. این مورد به عنوان (بررسی موضوعی) شناخته می‌شود. به محض اینکه موضوع‌ها شناسایی و مشخص شد، بررسی کننده، طبقه‌بندی‌ای را شکل می‌دهد و طبقه بندی‌های مشابه و مربوط را در موضوعی قرار می‌دهد که آن را به بهترین گونه توصیف می‌کند. موضوع‌ها اساس و پایه ایجاد توضیحات، الگوها و نظریه‌ها یا فرضیات را ارائه می‌کند. در این پژوهش، ابتدا تمام عوامل استخراج شده از مطالعه‌ها به عنوان شناسه در نظر گرفته، و سپس با در نظر گرفتن معنای هر یک از آنها، شناسه‌ها در مفهومی مشابه تعریف شد؛ سپس مفاهیم مشابه در مقولات تبیین کننده دسته‌بندی گردید تا به این ترتیب محورهای تبیین کننده شاخص‌های پژوهش در قالب مؤلفه‌های اصلی و فرعی پژوهش شناسایی شود.

جدول ۸. مقوله‌های اصلی و کدهای مربوطه

تکرار	شاخص	بعد
۵	ثبات سیاسی کشور	ریسک سیاسی در سطح کلان
۱۰	تغییرات رژیم	
۴	سیاست‌های اقتصادی دولت	
۳	سطح تحریم‌های بین‌المللی	
۵	روابط دیپلماتیک	
۳	سطح فساد دولتی	
۱۱	سیاست‌های تجاری و گمرکی	
۷	نوسانات قوانین مالیاتی	
۷	رفتار نهادهای نظارتی	ریسک سیاسی در سطح خرد
۱۴	تصمیمات ناگهانی محلی	
۱۰	میزان مداخله دولت در فعالیت شرکت‌ها	
۱۳	وابستگی به مقامات محلی	
۴	تغییرات سیاست‌های تخصیص منابع	
۴	سوگیری اعتماد به نفس بیش از حد	سوگیری رفتاری مدیران
۱۱	سوگیری خوش بینی	
۱۲	سوگیری تأیید	

۱۵	سوگیری در دسترس بودن	
۵	سوگیری گله‌ای	
۴	سوگیری لنگرگیری	
۵	ترس از زیان	
۵	شناسایی منابع ریسک	تحلیل و ارزیابی ریسک سیاسی
۴	سنجش احتمال وقوع	
۶	ارزیابی شدت تأثیر	
۵	تحلیل حساسیت تصمیمات	
۵	رتبه‌بندی ریسک‌ها	
۵	استفاده از سناریوها و مدل‌های پیش‌بینی	
۱۰	استراتژی‌های اجتناب، انتقال، کاهش یا پذیرش ریسک	مدیریت و پاسخ به ریسک سیاسی
۴	طراحی سناریوهای جایگزین	
۴	ایجاد روابط با ذینفعان سیاسی	
۴	تنوع‌بخشی جغرافیایی یا ارزی	
۸	تقویت ظرفیت تطبیق سازمانی	
۴	تغییر در هزینه سرمایه	پیامدهای مرتبط با ریسک سیاسی
۶	کاهش جریان نقدی	
۳	کاهش سودآوری	
۳	اختلال در زنجیره تأمین	
۵	کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران	
۷	افزایش هزینه‌های انطباق	
۴	تأخیر در پروژه‌ها	
۸	کیفیت قضاوت در شرایط عدم قطعیت	توان تصمیم‌گیری مدیران در شرایط
۶	میزان تحلیل منطقی در تصمیم‌گیری	
۴	نقش تجربه و شناخت محیطی	
۳	تأثیر احساسات بر تصمیمات	
۴	تمایل به ریسک‌پذیری یا ریسک‌گریزی	
۳	استقلال هیأت‌مدیره	حاکمیت شرکتی و ساختار کنترلی
۳	مکانیزم‌های کنترل داخلی	
۴	شفافیت اطلاعاتی	
۲	وجود کمیته ریسک	
۳	سطح پاسخگویی مدیران	
۲	آموزش شناختی مدیران	یادگیری سازمانی و تعدیل سوگیری‌ها
۳	بازخورد تصمیمات گذشته	
۴	استفاده از داده‌های رفتاری	
۴	سیستم هشدار زودهنگام	
۶	فرهنگ یادگیری از خطا	

گام ششم: کنترل کیفیت تحلیل

منظور از اعتبار در پژوهش کیفی، مفاهیمی همچون دفاع‌پذیری، باورپذیری، تصدیق‌پذیری و بازتاب‌پذیری نتایج تحقیق صورت گرفته است. یکی از شاخص‌های اعتبار (پایایی) پژوهش کیفی ارزیابی دو یا چند سند از حیث ارجاع به شاخصی خاص است (سندولوسکی و باروسو، ۲۰۰۶). مفهوم اعتبار در تحقیقات کیفی از منظرهای مختلفی به کار رفته است. این مفهوم واحد نبوده، بلکه مفهومی پیچیده و فراگیر و هم‌جانبه بوده است. کاربرد این مفهوم در پروژه‌ها و مطالعات تحقیق اجتناب‌ناپذیر بوده است. هرچند که بعضی از محققان کیفی عنوان داشت‌هاند که

اعتبار در تحقیقات کیفی کاربردی ندارد، اما در نهایت استفاده از مقیاسی را برای تحقیقاتشان و کنترل صلاحیت آن، لازم دیده اند. برای مثال، کرسول و میلر تحت تأثیر این قرار می‌گیرند که یک محقق، چه مفروضات پارادایمی را در مطالعه‌ی خود انتخاب نموده است. با وجود این، هر کدام از محققان از منظر دیدگاه خودی به موضوع اعتبار نگریسته و در کاربرد آن از مفاهیم متعددی، نظیر کیفیت، دقت و قابلیت اعتماد استفاده کرده است.

روایی درونی

در این قسمت می‌خواهیم به این برسیم که آیا نتایج در راستای اهداف پژوهش بوده است یا اینکه خیر به این عملکرد سنجش از طریق روایی درونی می‌گویند. هدف ما این است که از شاخه اصلی پژوهش که مدیریت دانش نام دارد دور نشویم و اینکه دچار خطای جمع‌آوری اطلاعات در نوع هدف مربوطه نشویم.

این امر در رابطه با پژوهش جمع‌آوری شده و بررسی شده در رابطه با طراحی و تدوین عوامل موثر بر ارائه الگوی برای تجزیه و تحلیل ریسک سیاسی و شناسایی پیامدهای مرتبط با آن با تأکید بر سوگیری رفتاری مدیران توسط ارزیابی متخصصان که از بیرون می‌توانند این شرایط و داده‌ها را بررسی نمایند مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

در این پژوهش با مراجعه به اساتید راهنما و مشاور و همچنین با استفاده از دوستان متخصصی که در زمینه طراحی و تدوین عوامل موثر بر ارائه الگوی برای تجزیه و تحلیل ریسک سیاسی و شناسایی پیامدهای مرتبط با آن با تأکید بر سوگیری رفتاری مدیران و یا در کل در رابطه با موضوع مدیریت دانش فعالیت و تخصص داشته‌اند شرایط و نحوه انجام کار با آنها مطرح شده و سیستم و الگوی کار با آنها به صورت کاملاً شفاف و واضح توضیح داده شده و آنها را در جریان مراحل اجرای کار قرار داده ایم.

حال پس از تایید روایی کار به سوی تایید و ارزیابی پایایی فرایند اجرای کار در این پژوهش خواهیم رفت.

پایایی درونی

برای اینکه پژوهشگر بتواند از یافته‌های کیفی در تحلیل‌ها استفاده کنند باید آنها را کدگذاری کند در این فرآیند احتمال خطاهای انسانی و ساختاری وجود دارد اگر چه این خطاها را میتوان مطالعه کرد زمانی که کدگذاری‌های پیچیده تر و قضاوتی در یک پژوهش انجام می‌گیرد خطاهای کدگذاری می‌توانند به طور جدی بر کیفیت نتایج تأثیر مخرب بگذارند.

واژه پایایی برای نشان دادن رابطه بین کدگذاران یادآوران در نتایج کدگذاری آنها به کار می‌رود. پایایی بین کدگذاران واژه‌ای پرستفاده است که به معنای میزان توافقی است که کدگذاران مستقل هنگام ارزیابی ویژگی‌های یک پیام یا متن به دست می‌آورند. واژه خاص مورد نظر برای سازگاری در تحلیل محتوا توافق بین کدگذاران است.

تعیین اعتبار و پایایی مرحله‌ای حیاتی در فرآیند تحلیل داده‌های کیفی است و پایایی به همسانی نتایج حاصل از یافته‌های کیفی در سنجش اهداف مورد نظر اطلاق می‌گردد. اعتبار به میزانی اطلاق می‌گردد که یک روش قادر است هدف مطالعه را بسنجد. در یک مطالعه کیفی اعتبار اشاره دارد به میزانی که محقق توانسته است پدیده مورد مطالعه یا متغیرهای مربوط به آن را انعکاس دهد.

در تمامی روش‌های کیفی و مخصوصاً در روش فراترکیب پایایی فقط به صورت درونی فعال و مورد بررسی قرار می‌گیرد چرا که در روش‌های کیفی و فراترکیب پایایی بیرونی مورد تایید و بررسی نمی‌باشد. در پایان آیین درونی در رابطه با روش‌های کیفی مخصوصاً روش فراترکیب هدف به این صورت هست که روش اجرای کار را مورد ارزیابی کارشناسان قرار می‌دهیم که آیا روش اجرای کار مورد تایید و درستی بوده است یا اینکه خیر؟ آیا نتایج و یافته‌ها به درستی کدگذاری شده است؟

در این زمینه یک ضریبی وجود دارد به نام ضریب کاپا. این یک فرمول آماری است برای به دست آوردن میزان توافق در بخش پایایی روش فراترکیب.

در تعیین و سنجش پایایی درونی یک فرایند پژوهش کیفی دو متخصص را برای ارزیابی این عمل انتخاب میکنیم این متخصصین با استناد به فرآیند اجرای کار و الگوی تعیین شده و عملیات اجرایی سعی بر سنجش روش اجرای کار پژوهش دارند. هر کدام از این متخصصین یک نظر در رابطه با نحوه اجرای کار و تایید آن می دهند اینکه کد گذاری به چه روشی انجام شده است؟ یا اینکه درست انجام شده است؟ نظریه نهایی این متخصصین می باشد. در نهایت هر کدام از این فاکتورهایی که دو شخص ارزیابی نتایج آن را اعلام کرده اند با یکدیگر مقایسه می کنیم که هرچقدر این نتایج و این نظرات به یکدیگر نزدیک بوده این کار فرآیند اجرای ما از ضریب کاپا و یا ضریب همسوسازی بیشتری برخوردار است در نتیجه پایایی کار ما مورد تایید خواهد شد. ضریب کاپا یک فرمول آماری است که میزان توافق دو ارزیاب یا چند ارزیاب را برای ما به دست می آورد.

روش کاپا یکی از ابزارهای تصمیم گیری آماری است که به بررسی اندازه توافق و هماهنگی بین دو فرد پدیده و یا منبع تصمیم گیری که هر یک به صورت جداگانه مورد اندازه گیری قرار گرفته اند می پردازد.

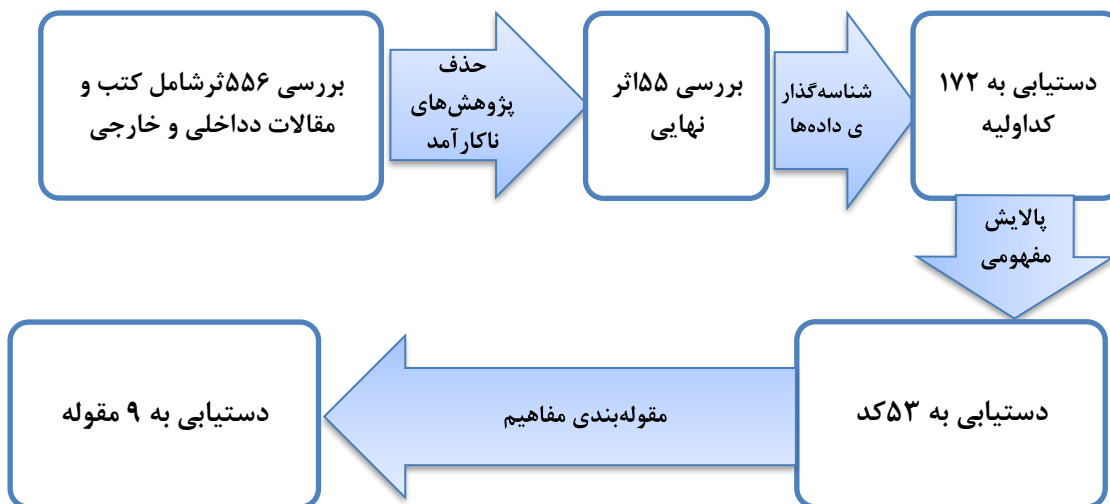
ضریب کاپا اندازه عددی بین مثبت یک تا منفی یک می باشد که هرچه به مثبت یک نزدیکتر باشد بیانگر وجود توافق متناسب و مستقیم است و هر چه نزدیک به منفی یک باشد نشان دهنده وجود توافق وارونه و عکس خواهد بود و اندازه های نزدیک به صفر عدم توافق را نشان می دهد.

$$k = \frac{p_o - p_e}{1 - p_e}$$

برای ارزیابی پایایی فراترکیب، سندی انتخابی در اختیار یکی از خبرگان قرار داده شد. پس از ارزیابی، ضریب کاپا ۰/۷۱۱ محاسبه گردید. ضریب کاپای بالای ۰/۶ مطلوب می باشد. بنابراین این مقدار به معنای پایایی نتایج پژوهش است.

همچنین در این پژوهش، روشهای ذیل برای حفظ کیفیت مطالعه در نظر گرفته شد:

- ✓ در سراسر پژوهش، تلاش گردید توضیحات روشن و واضح برای گزینه های پژوهش ارائه شود.
- ✓ از هر دو راهکار جستجوی الکترونیک و دستی برای جستجوی پژوهش ها استفاده گردید.



شکل ۳. الگوریتم خروجی کنترل کیفیت شاخص های پژوهش

گام هفتم: ارائه گزارش و یافته های پژوهش

در این مرحله از روش فراترکیب، یافته های مراحل قبل ارائه می شود. در ادامه به شناسایی شاخص های پژوهش پرداخته می شود. از شاخص های استخراج شده از متون مقالات مرتبط، با حذف شاخص های هم معنی و پرتکرار و در نهایت با مقوله و دسته بندی شاخص های نهایی، ۶ مقوله و ۲۳ کد حاصل گردید. در این مرحله از کدگذاری، مقوله های اصلی و فرعی پژوهش مشخص شدند.

در این مرحله از روش فراترکیب، یافته‌های مراحل قبل ارائه می‌شود. در این مرحله با استفاده از روش آنتروپی شانون، میزان پشتیبانی پژوهش‌های گذشته از یافته‌های این پژوهش به صورت آماری نشان داده می‌شود.

براساس روش آنتروپی شانون، پردازش داده‌ها در بحث تحلیل کیفی با نگاهی جدید و به صورت کمی و کیفی مطرح می‌شود. براساس این روش تحلیل داده‌ها، در تحلیل محتوا بسیار قوی‌تر و معتبرتر عمل می‌کند. آنتروپی در تئوری اطلاعات، شاخصی است برای اندازه‌گیری عدم اطمینان که بوسیله یک توزیع احتمال بیان می‌شود. براساس این روش که به مدل جبرانی مشهور است، محتوای طرح مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

پس از شناسایی شاخص‌های پژوهش براساس تحلیل محتوا و تعیین واحدهای تحلیل (کلمه‌ها و مضامین)، برای تحلیل داده‌ها از روش آنتروپی شانون به صورت زیر استفاده شده است:

ابتدا باید فراوانی هر یک از مقوله‌های شناسایی شده براساس تحلیل محتوا مشخص شود.

ماتریس فراوانی‌های مورد نظر باید به هنجار شود. برای این منظور از روش نرمال سازی خطی استفاده می‌شود:

$$n_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sum x_{ij}}$$

بار اطلاعاتی هر مقوله باید محاسبه شود. برای این منظور از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$k = \frac{1}{\ln(a)}; a = \text{تعداد گزینه‌ها}$$

$$E_j = -k \sum [n_{ij} \ln(n_{ij})]$$

ضریب اهمیت هر مقوله باید محاسبه شود. هر مقوله که دارای بار اطلاعاتی بیشتری باشد، از درجه اهمیت بیشتری برخوردار است. برای این منظور از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$W_j = \frac{E_j}{\sum E_j}$$

بنابراین در گام نخست ماتریس تصمیم تشکیل شده است. امتیازات بدست آمده از ماتریس تصمیم پیرامون مساله مورد نظر در جدول زیر ارائه شده است:

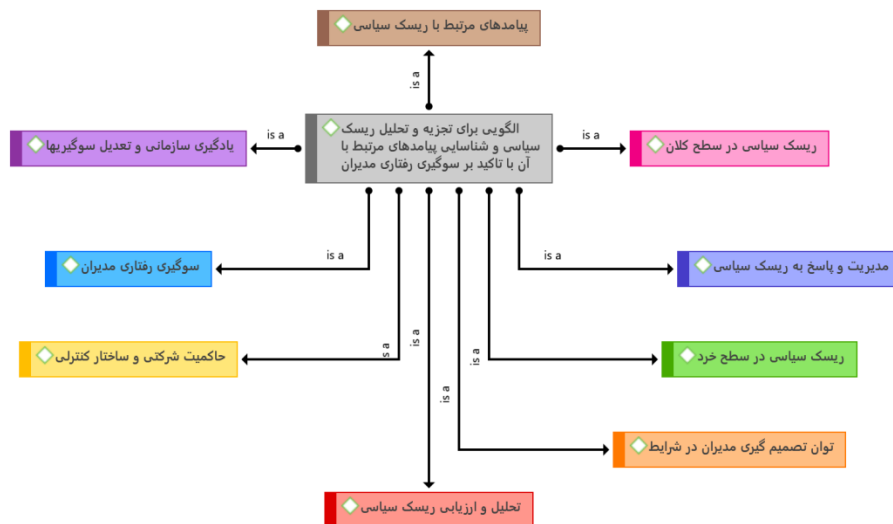
جدول ۹. تعیین میزان اهمیت و تأکید پژوهش‌های گذشته

رتبه	Wj ضریب اهمیت	Ej عدم اطمینان	$\sum P_{ij} \times knP_{ij}$	فراوانی	کد
۱۹	۰.۰۱۸	۰.۰۱۷	۰.۰۶۹-	۵	ثبات سیاسی کشور
۷	۰.۰۲۹	۰.۰۲۹	۰.۱۱۴-	۱۰	تغییرات رژیم
۲۸	۰.۰۱۵	۰.۰۱۵	۰.۰۵۸-	۴	سیاست‌های اقتصادی دولت
۴۳	۰.۰۱۲	۰.۰۱۲	۰.۰۴۶-	۳	سطح تحریم‌های بین‌المللی
۱۹	۰.۰۱۸	۰.۰۱۷	۰.۰۶۹-	۵	روابط دیپلماتیک
۴۳	۰.۰۱۲	۰.۰۱۲	۰.۰۴۶-	۳	سطح فساد دولتی
۵	۰.۰۳۱	۰.۰۳۱	۰.۱۲۲-	۱۱	سیاست‌های تجاری و گمرکی
۱۲	۰.۰۲۳	۰.۰۲۲	۰.۰۸۸-	۷	نوسانات قوانین مالیاتی
۱۲	۰.۰۲۳	۰.۰۲۲	۰.۰۸۸-	۷	رفتار نهادهای نظارتی
۲	۰.۰۳۷	۰.۰۳۶	۰.۱۴۴-	۱۴	تصمیمات ناگهانی محلی
۷	۰.۰۲۹	۰.۰۲۹	۰.۱۱۴-	۱۰	میزان مداخله دولت در فعالیت شرکت‌ها
۳	۰.۰۳۵	۰.۰۳۴	۰.۱۳۷-	۱۳	وابستگی به مقامات محلی
۲۸	۰.۰۱۵	۰.۰۱۵	۰.۰۵۸-	۴	تغییرات سیاست‌های تخصیص منابع
۲۸	۰.۰۱۵	۰.۰۱۵	۰.۰۵۸-	۴	سوگیری اعتماد به نفس بیش از حد

آموزش، تربیت و توسعه پایدار

۵	۰.۰۳۱	۰.۰۳۱	۰.۱۲۲-	۱۱	سوگیری خوش‌بینی
۴	۰.۰۳۳	۰.۰۳۳	۰.۱۲۹-	۱۲	سوگیری تأیید
۱	۰.۰۳۹	۰.۰۳۸	۰.۱۵۰-	۱۵	سوگیری در دسترس بودن
۱۹	۰.۰۱۸	۰.۰۱۷	۰.۰۶۹-	۵	سوگیری گله‌ای
۲۸	۰.۰۱۵	۰.۰۱۵	۰.۰۵۸-	۴	سوگیری لنگرگیری
۱۹	۰.۰۱۸	۰.۰۱۷	۰.۰۶۹-	۵	ترس از زیان
۱۹	۰.۰۱۸	۰.۰۱۷	۰.۰۶۹-	۵	شناسایی منابع ریسک
۲۸	۰.۰۱۵	۰.۰۱۵	۰.۰۵۸-	۴	سنجش احتمال وقوع
۱۵	۰.۰۲۰	۰.۰۲۰	۰.۰۷۹-	۶	ارزیابی شدت تأثیر
۱۹	۰.۰۱۸	۰.۰۱۷	۰.۰۶۹-	۵	تحلیل حساسیت تصمیمات
۱۹	۰.۰۱۸	۰.۰۱۷	۰.۰۶۹-	۵	رتبه‌بندی ریسک‌ها
۱۹	۰.۰۱۸	۰.۰۱۷	۰.۰۶۹-	۵	استفاده از سناریوها و مدل‌های پیش‌بینی
۷	۰.۰۲۹	۰.۰۲۹	۰.۱۱۴-	۱۰	استراتژی‌های اجتناب، انتقال، کاهش یا پذیرش ریسک
۲۸	۰.۰۱۵	۰.۰۱۵	۰.۰۵۸-	۴	طراحی سناریوهای جایگزین
۲۸	۰.۰۱۵	۰.۰۱۵	۰.۰۵۸-	۴	ایجاد روابط با ذینفعان سیاسی
۲۸	۰.۰۱۵	۰.۰۱۵	۰.۰۵۸-	۴	تنوع‌بخشی جغرافیایی یا ارزی
۱۰	۰.۰۲۵	۰.۰۲۴	۰.۰۹۷-	۸	تقویت ظرفیت تطبیق سازمانی
۲۸	۰.۰۱۵	۰.۰۱۵	۰.۰۵۸-	۴	تغییر در هزینه سرمایه
۱۵	۰.۰۲۰	۰.۰۲۰	۰.۰۷۹-	۶	کاهش جریان نقدی
۴۳	۰.۰۱۲	۰.۰۱۲	۰.۰۴۶-	۳	کاهش سودآوری
۴۳	۰.۰۱۲	۰.۰۱۲	۰.۰۴۶-	۳	اختلال در زنجیره تأمین
۱۹	۰.۰۱۸	۰.۰۱۷	۰.۰۶۹-	۵	کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران
۱۲	۰.۰۲۳	۰.۰۲۲	۰.۰۸۸-	۷	افزایش هزینه‌های انطباق
۲۸	۰.۰۱۵	۰.۰۱۵	۰.۰۵۸-	۴	تأخیر در پروژه‌ها
۱۰	۰.۰۲۵	۰.۰۲۴	۰.۰۹۷-	۸	کیفیت قضاوت در شرایط عدم قطعیت
۱۵	۰.۰۲۰	۰.۰۲۰	۰.۰۷۹-	۶	میزان تحلیل منطقی در تصمیم‌گیری
۲۸	۰.۰۱۵	۰.۰۱۵	۰.۰۵۸-	۴	نقش تجربه و شناخت محیطی
۴۳	۰.۰۱۲	۰.۰۱۲	۰.۰۴۶-	۳	تأثیر احساسات بر تصمیمات
۲۸	۰.۰۱۵	۰.۰۱۵	۰.۰۵۸-	۴	تمایل به ریسک‌پذیری یا ریسک‌گریزی
۴۳	۰.۰۱۲	۰.۰۱۲	۰.۰۴۶-	۳	استقلال هیأت‌مدیره
۴۳	۰.۰۱۲	۰.۰۱۲	۰.۰۴۶-	۳	مکانیزم‌های کنترل داخلی
۲۸	۰.۰۱۵	۰.۰۱۵	۰.۰۵۸-	۴	شفافیت اطلاعاتی
۵۲	۰.۰۰۹	۰.۰۰۸	۰.۰۳۴-	۲	وجود کمیته ریسک
۴۳	۰.۰۱۲	۰.۰۱۲	۰.۰۴۶-	۳	سطح پاسخگویی مدیران
۵۲	۰.۰۰۹	۰.۰۰۸	۰.۰۳۴-	۲	آموزش شناختی مدیران
۴۳	۰.۰۱۲	۰.۰۱۲	۰.۰۴۶-	۳	بازخورد تصمیمات گذشته
۲۸	۰.۰۱۵	۰.۰۱۵	۰.۰۵۸-	۴	استفاده از داده‌های رفتاری
۲۸	۰.۰۱۵	۰.۰۱۵	۰.۰۵۸-	۴	سیستم هشدار زود هنگام
۱۵	۰.۰۲۰	۰.۰۲۰	۰.۰۷۹-	۶	فرهنگ یادگیری از خطا

در نهایت مطابق با مراحل فوق‌الگوی ریسک سیاسی و شناسایی پیامدهای مرتبط با آن با تأکید بر سوگیری رفتاری مدیران به صورت زیر ارائه می‌گردد.



شکل ۴. عوامل موثر بر ارائه الگوی برای تجزیه و تحلیل ریسک سیاسی و شناسایی پیامدهای مرتبط با آن با تأکید بر سوگیری رفتاری مدیران

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که ریسک سیاسی در دو سطح کلان و خرد به‌عنوان یک متغیر تعیین‌کننده، تأثیر معناداری بر فرآیندهای تصمیم‌گیری مدیریتی و پیامدهای سازمانی دارد و این تأثیر به‌واسطه سوگیری‌های رفتاری مدیران تشدید یا تعدیل می‌شود. به‌طور مشخص، یافته‌ها بیانگر آن بود که افزایش ریسک سیاسی منجر به تغییر در الگوهای تصمیم‌گیری مدیران، افزایش احتیاط در سرمایه‌گذاری، و در برخی موارد بروز رفتارهای فرصت‌طلبانه نظیر مدیریت سود و پنهان‌سازی اطلاعات منفی می‌شود. این نتایج با ادبیات موجود همسو است که نشان می‌دهد عدم اطمینان سیاسی می‌تواند رفتار مدیران را از مسیر عقلانیت کامل منحرف کرده و آن‌ها را به سمت تصمیمات محافظه‌کارانه یا حتی انحرافی سوق دهد (Gupta et al., 2025; Jafari Fard, 2025).

از منظر تحلیل ساختاری مدل، ابعاد شناسایی‌شده شامل تحلیل و ارزیابی ریسک سیاسی، مدیریت و پاسخ به ریسک، پیامدهای سازمانی، حاکمیت شرکتی، یادگیری سازمانی و توان تصمیم‌گیری مدیران، نشان‌دهنده یک چارچوب یکپارچه و چندبعدی است. این یافته‌ها با دیدگاه‌های نظری که ریسک سیاسی را پدیده‌ای پیچیده و چندسطحی می‌دانند، همخوانی دارد و تأکید می‌کند که تحلیل این ریسک نیازمند در نظر گرفتن همزمان عوامل محیطی و درون‌سازمانی است (Marolla, 2023; Panesh, 2025). همچنین، شناسایی ریسک سیاسی در سطح کلان و خرد با مطالعاتی که به بررسی اثرات سیاست‌های دولتی، تغییرات نهادی و عوامل ژئوپلیتیکی بر عملکرد شرکت‌ها پرداخته‌اند، سازگار است (Ghasemi & Khanavar, 2021; Soleimani, 2024).

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، نقش میانجی و تعدیل‌کننده سوگیری‌های رفتاری مدیران در رابطه بین ریسک سیاسی و پیامدهای سازمانی است. نتایج نشان داد که در شرایط افزایش عدم اطمینان سیاسی، مدیران به‌دلیل محدودیت‌های شناختی و هیجانی، ممکن است در ارزیابی ریسک‌ها دچار خطا شوند و این امر منجر به اتخاذ تصمیماتی شود که لزوماً بهینه نیستند. این یافته با رویکرد مالی رفتاری همخوانی دارد که بر نقش سوگیری‌های شناختی در انحراف از تصمیم‌گیری عقلایی تأکید می‌کند (Amini & Bahrami, 2021; Hassani, 2021). به‌علاوه، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که سوگیری‌هایی مانند خوش‌بینی بیش از حد یا تمایل به پنهان‌سازی اخبار بد، می‌تواند در شرایط ریسک سیاسی تشدید شود که این موضوع با یافته‌های مطالعاتی که به ارتباط بین عدم اطمینان سیاسی و افشای اطلاعات منفی پرداخته‌اند، همسو است (Colak & Loukopoulos, 2025; Kim et al., 2024).

در تبیین این نتایج می‌توان بیان کرد که محیط‌های سیاسی بی‌ثبات، با ایجاد عدم‌اطمینان و کاهش قابلیت پیش‌بینی، فشار روانی و شناختی بیشتری بر مدیران وارد می‌کنند. این شرایط موجب می‌شود مدیران برای کاهش ریسک‌های ادراک‌شده، به استراتژی‌های محافظه‌کارانه‌تر یا رفتارهای انطباقی خاصی روی آورند. این یافته با نتایج مطالعاتی که نشان می‌دهد ریسک سیاسی منجر به کاهش سرمایه‌گذاری و تغییر در استراتژی‌های مالی شرکت‌ها می‌شود، همخوانی دارد (Asgari & Rahimi, 2024; Sadeghi & Jalali, 2024). همچنین، یافته‌های این پژوهش مبنی بر کاهش شفافیت اطلاعاتی در شرایط ریسک بالا، با پژوهش‌هایی که به اثرات منفی ریسک سیاسی بر کیفیت گزارشگری مالی اشاره دارند، سازگار است (Afshari & Soltani, 2024).

بخش دیگری از نتایج نشان داد که حاکمیت شرکتی و ساختارهای کنترلی می‌توانند نقش مهمی در کاهش اثرات منفی ریسک سیاسی و سوگیری‌های رفتاری ایفا کنند. به عبارت دیگر، وجود سازوکارهای نظارتی قوی و شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری می‌تواند از بروز رفتارهای فرصت‌طلبانه جلوگیری کرده و کیفیت تصمیمات را بهبود بخشد. این نتیجه با مطالعاتی که به اهمیت ساختارهای نهادی و حاکمیتی در مدیریت ریسک‌های سیاسی اشاره دارند، همسو است (Arduini et al., 2024; Lotfi & Delshad, 2026).

همچنین یافته‌ها نشان داد که یادگیری سازمانی و توسعه قابلیت‌های مدیریتی می‌تواند به‌عنوان یک عامل کلیدی در تعدیل اثرات ریسک سیاسی عمل کند. سازمان‌هایی که از سیستم‌های یادگیری مؤثر برخوردارند، قادرند تجربیات گذشته را به دانش قابل استفاده تبدیل کرده و در مواجهه با شرایط جدید تصمیمات بهتری اتخاذ کنند. این نتیجه با دیدگاه‌هایی که بر نقش مدیریت دانش و یادگیری در افزایش تاب‌آوری سازمانی تأکید دارند، همخوانی دارد (Arduini et al., 2024).

از منظر پیامدهای مالی، نتایج پژوهش نشان داد که ریسک سیاسی می‌تواند بر عملکرد مالی شرکت‌ها تأثیر منفی داشته باشد و این اثر از طریق تغییر در تصمیمات سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و مدیریت سود اعمال می‌شود. این یافته با پژوهش‌هایی که به ارتباط بین ریسک سیاسی و بازده دارایی‌ها یا عملکرد مالی شرکت‌ها پرداخته‌اند، همسو است (Abbaspour & Salehi, 2021; Jamshidi & Hosseinzadeh, 2023). همچنین، تأثیر ریسک سیاسی بر جریان‌های سرمایه و خروج سرمایه، که در ادبیات به‌عنوان یکی از پیامدهای مهم این نوع ریسک مطرح شده است، در چارچوب نتایج این پژوهش قابل تبیین است (Zare et al., 2021).

در سطح سیاست‌گذاری، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که طراحی سیاست‌های مؤثر برای مدیریت ریسک سیاسی باید با در نظر گرفتن ابعاد رفتاری مدیران صورت گیرد. این موضوع با دیدگاه‌هایی که بر اهمیت طراحی سیاست‌های مقاوم در برابر عدم‌اطمینان تأکید دارند، همخوانی دارد (Howlett & Migone, 2025; Xu & Shi, 2025). به عبارت دیگر، سیاست‌گذاران باید علاوه بر عوامل اقتصادی و نهادی، به ویژگی‌های رفتاری تصمیم‌گیرندگان نیز توجه داشته باشند تا بتوانند اثربخشی سیاست‌ها را افزایش دهند.

در مجموع، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ریسک سیاسی یک پدیده چندبعدی است که اثرات آن نه‌تنها به شرایط محیطی، بلکه به نحوه ادراک و واکنش مدیران نیز وابسته است. این یافته‌ها اهمیت توسعه مدل‌های یکپارچه‌ای را که بتوانند تعامل بین عوامل سیاسی، اقتصادی و رفتاری را تبیین کنند، برجسته می‌سازد و می‌تواند به غنای ادبیات موجود در این حوزه کمک نماید.

با وجود دستاوردهای این پژوهش، محدودیت‌هایی نیز وجود دارد. یکی از مهم‌ترین محدودیت‌ها، ماهیت کیفی و مبتنی بر فراترکیب پژوهش است که اگرچه امکان ارائه یک چارچوب جامع را فراهم می‌کند، اما تعمیم‌پذیری نتایج را به شرایط خاص محدود می‌سازد. همچنین وابستگی به مطالعات پیشین ممکن است باعث انتقال سوگیری‌های موجود در آن مطالعات به نتایج پژوهش شود. محدودیت دیگر به عدم استفاده از داده‌های تجربی اولیه مربوط می‌شود که می‌توانست به آزمون دقیق‌تر روابط بین متغیرها کمک کند.

برای پژوهش‌های آتی، پیشنهاد می‌شود که مدل ارائه‌شده در این تحقیق در قالب مطالعات کمی و با استفاده از داده‌های واقعی مورد آزمون قرار گیرد تا اعتبار و قابلیت تعمیم آن افزایش یابد. همچنین بررسی نقش سایر متغیرهای رفتاری مانند هوش هیجانی، سبک رهبری و

ویژگی‌های شخصیتی مدیران در تعامل با ریسک سیاسی می‌تواند به توسعه ادبیات این حوزه کمک کند. علاوه بر این، انجام مطالعات مقایسه‌ای بین کشورها یا صنایع مختلف می‌تواند به درک بهتر تفاوت‌های زمینه‌ای در اثرات ریسک سیاسی منجر شود. از نظر کاربردی، نتایج این پژوهش می‌تواند به مدیران و سیاست‌گذاران در طراحی استراتژی‌های مؤثر برای مدیریت ریسک سیاسی کمک کند. مدیران می‌توانند با افزایش آگاهی از سوگیری‌های رفتاری خود و استفاده از ابزارهای تحلیلی مناسب، کیفیت تصمیم‌گیری را بهبود بخشند. همچنین سازمان‌ها می‌توانند با تقویت حاکمیت شرکتی، توسعه سیستم‌های یادگیری و ارتقای شفافیت اطلاعاتی، اثرات منفی ریسک سیاسی را کاهش دهند. در سطح کلان نیز، سیاست‌گذاران می‌توانند با طراحی سیاست‌های پایدار و کاهش عدم اطمینان، محیطی مساعدتر برای فعالیتهای اقتصادی فراهم آورند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Extended Abstract

Introduction

Political risk has increasingly emerged as a critical determinant of organizational performance, financial stability, and strategic decision-making in contemporary economic environments characterized by uncertainty and volatility. This form of risk, arising from changes in political structures, public policies, regulatory frameworks, and geopolitical events, influences both macroeconomic dynamics and firm-level outcomes. In recent years, scholars have emphasized that political risk should not be treated merely as an external shock, but rather as a dynamic and multifaceted construct that interacts with organizational characteristics and managerial cognition (Marolla, 2023; Panesh, 2025).

The literature suggests that political risk encompasses a wide range of uncertainties, including policy instability, regulatory changes, taxation reforms, sanctions, and institutional weaknesses. These uncertainties can significantly affect firms' cost structures, investment decisions, and long-term growth prospects (Sadeghi

& Jalali, 2024; Soleimani, 2024). In emerging markets, where institutional frameworks are often less stable, the intensity and impact of political risk are particularly pronounced, frequently resulting in capital flight, reduced foreign investment, and constrained economic development (Abbaspour & Salehi, 2021; Zare et al., 2021).

Empirical studies have consistently demonstrated that political risk negatively affects corporate investment behavior and financial decision-making. Firms operating under heightened political uncertainty tend to adopt more conservative strategies, delay capital expenditures, and adjust their financing structures to mitigate potential losses (Amini & Bahrami, 2021; Asgari & Rahimi, 2024). Furthermore, evidence indicates that firms respond heterogeneously to political uncertainty depending on their size, governance mechanisms, and exposure to external markets (Bird et al., 2023; Huang et al., 2023).

Beyond financial decisions, political risk also influences corporate reporting practices and transparency. Managers facing high levels of uncertainty may engage in earnings management or withhold unfavorable information to stabilize market perceptions and maintain organizational legitimacy (Gupta et al., 2025; Jafari Fard, 2025). Such behavior highlights the intersection between political risk and managerial discretion, suggesting that the impact of political risk is mediated by internal organizational dynamics and behavioral factors.

In parallel, the integration of political risk with other emerging risks—such as climate policy risk and sustainability challenges—has gained increasing attention. For instance, changes in environmental regulations and climate-related policies can be conceptualized as extensions of political risk, affecting credit markets, investment strategies, and corporate sustainability initiatives (Delis et al., 2024). Additionally, the relationship between political risk and corporate social responsibility has been explored, indicating that firms may adjust their social and environmental practices in response to political pressures and institutional expectations (Aftab & Veneziani, 2024; Ashraf et al., 2024; Lotfi & Delshad, 2026).

A critical yet underexplored dimension of political risk lies in the behavioral biases of managers. Traditional financial theories assume rational decision-making; however, behavioral finance challenges this assumption by demonstrating that cognitive biases, emotions, and heuristics significantly influence managerial decisions. Under conditions of uncertainty, such as those created by political risk, these biases become more pronounced, affecting risk perception, information processing, and strategic choices (Ghasemi & Khanavar, 2021; Hassani Kalvani et al., 2023).

Cognitive biases such as overconfidence, optimism bias, and loss aversion can distort managerial judgments, leading to suboptimal decisions in risk assessment and resource allocation. Moreover, recent studies indicate that political uncertainty can exacerbate tendencies such as bad news hoarding and delayed disclosure, further complicating the decision-making environment (Colak & Loukopoulos, 2025; Kim et al., 2024).

From a policy perspective, managing political risk requires comprehensive frameworks that integrate economic, institutional, and behavioral dimensions. Scholars have highlighted the importance of designing resilient policy systems that can adapt to uncertainty and mitigate adverse impacts on firms and markets (Howlett & Migone, 2025; Xu & Shi, 2025). In this context, developing models that capture the interplay between political risk and managerial behavior is essential for enhancing organizational resilience and strategic adaptability.

Given these considerations, the present study seeks to develop a comprehensive model of political risk and identify its associated consequences, with a particular emphasis on the role of managerial behavioral biases in shaping organizational decision-making processes.

Methods and Materials

This study adopts an applied research approach with a qualitative orientation, utilizing the meta-synthesis method to develop a comprehensive conceptual model. The research design is based on a systematic and

structured review of existing literature, aimed at integrating findings from diverse studies into a unified analytical framework.

The statistical population includes scholarly articles, books, dissertations, and academic reports related to political risk, managerial behavior, and organizational decision-making published between 2000 and 2025, as well as relevant Persian-language sources between 1370 and 1404 (A.H). A purposive sampling strategy was employed to identify and select studies that met predefined inclusion criteria, including relevance to the research topic, methodological rigor, and availability of sufficient qualitative data.

The research process involved several stages. First, research questions were formulated to guide the meta-synthesis process. Second, a systematic search of academic databases was conducted using relevant keywords in both English and Persian. Third, identified studies were screened based on their titles, abstracts, and full texts to ensure alignment with the research objectives.

To ensure the quality and reliability of the selected studies, the Critical Appraisal Skills Programme (CASP) framework was used to evaluate methodological rigor. Studies that met the minimum quality threshold were included in the final analysis, while those with insufficient quality were excluded.

Data extraction involved identifying key concepts, themes, and relationships related to political risk and managerial behavior. These elements were then coded, categorized, and synthesized to develop a multidimensional model. The final model integrates macro-level and micro-level political risks, managerial behavioral biases, risk analysis and evaluation processes, response strategies, organizational consequences, corporate governance mechanisms, and organizational learning capabilities.

Findings

The findings of this study reveal that political risk operates as a multidimensional construct influencing organizational outcomes through both direct and indirect mechanisms. At the macro level, political instability, regulatory changes, and policy uncertainty significantly affect the external environment of firms, altering investment opportunities and financial performance. At the micro level, firm-specific exposure to political risk shapes managerial decisions, particularly in areas such as investment, financing, and information disclosure.

The results indicate that managerial behavioral biases play a critical mediating and moderating role in the relationship between political risk and organizational outcomes. Under conditions of high uncertainty, managers are more likely to exhibit cognitive biases that influence their perception of risk and decision-making processes. These biases can lead to conservative investment strategies, delayed decision-making, or opportunistic behaviors such as earnings management and selective disclosure.

The study identifies several key dimensions of the proposed model, including political risk at macro and micro levels, behavioral biases of managers, risk analysis and evaluation mechanisms, risk response strategies, organizational consequences, corporate governance structures, managerial decision-making capabilities, and organizational learning processes. These dimensions are interconnected and collectively shape how organizations perceive, interpret, and respond to political risk.

Furthermore, the findings suggest that strong corporate governance and effective control structures can mitigate the adverse effects of political risk by enhancing transparency and accountability. Organizational learning also emerges as a crucial factor, enabling firms to adapt to changing political environments and improve decision-making over time.

Discussion and Conclusion

The findings of this study underscore the complexity and multidimensionality of political risk, highlighting its pervasive influence on organizational behavior and performance. By integrating macro-level and micro-level perspectives, the proposed model provides a comprehensive framework for understanding how political risk affects firms and how these effects are mediated by managerial behavior.

One of the key contributions of this study is the identification of managerial behavioral biases as a central mechanism through which political risk influences organizational outcomes. This perspective extends traditional approaches to political risk analysis by incorporating insights from behavioral finance and organizational theory. It suggests that effective risk management requires not only an understanding of external factors but also a critical examination of internal cognitive processes.

The study also emphasizes the importance of corporate governance and organizational learning in mitigating the negative effects of political risk. Firms with robust governance structures and adaptive learning capabilities are better positioned to navigate uncertainty and maintain performance stability. These findings have important implications for both managers and policymakers, highlighting the need for integrated strategies that address both structural and behavioral dimensions of risk.

In conclusion, this research contributes to the growing body of literature on political risk by proposing a multidimensional model that captures the interplay between environmental uncertainty and managerial cognition. The model offers a valuable tool for analyzing political risk and designing effective response strategies, ultimately enhancing organizational resilience and decision-making quality in uncertain environments.

References

- Abbaspour, M., & Salehi, A. (2021). An analysis of the impact of political risks on investment strategies in emerging markets. *12*(3), 145-160.
- Afshari, S., & Soltani, N. (2024). Political risks and their impact on corporate financial practices. *8*(2), 101-115.
- Aftab, J., & Veneziani, M. (2024). How does green human resource management contribute to saving the environment? Evidence of emerging market manufacturing firms. *Business Strategy and the Environment*, *33*(2), 529-545. <https://doi.org/10.1002/bse.3508>
- Amini, S., & Bahrami, Y. (2021). Investigating the effects of political risk on managers' strategic and financial decisions. *16*(3), 100-115.
- Arduini, S., Manzo, M., & Beck, T. (2024). Corporate reputation and culture: The link between knowledge management and sustainability. *Journal of Knowledge Management*, *28*(4), 1020-1041. <https://doi.org/10.1108/jkm-02-2023-0139>
- Asgari, A., & Rahimi, F. (2024). The effect of political risk on corporate investment decisions and growth. *13*(1), 145-158.
- Ashraf, S., Ali, S. Z., Khan, T. I., Azam, K., & Afridi, S. A. (2024). Fostering sustainable tourism in Pakistan: Exploring the influence of environmental leadership on employees' green behavior. *Business Strategy and Development*, *7*(1), e328. <https://doi.org/10.1002/bsd2.328>
- Asif, M. H., Zhongfu, T., Irfan, M., & Isik, C. (2023). Do environmental knowledge and green trust matter for purchase intention of eco-friendly home appliances? An application of extended theory of planned behavior. *Environmental Science and Pollution Research*, *30*(13), 37762-37774. <https://doi.org/10.1007/s11356-022-24899-1>
- Bird, A., Karolyi, S., & Ruchti, T. (2023). How do firms respond to political uncertainty? Evidence from U.S. gubernatorial elections. *Journal of Accounting Research*, *61*(4), 1025-1061.
- Colak, G., & Loukopoulos, G. (2025). Idiosyncratic political risk and bad news hoarding.
- Delis, M. D., Greiff, K. D., Iosifidi, M., & Ongena, S. (2024). Being stranded with fossil fuel reserves? Climate policy risk and the pricing of bank loans. *Financial Markets, Institutions and Instruments*, *33*(3), 239-265.
- Ghasemi, F., & Khanavar, M. (2021). *Investigating the dimensions of political risk in economic interaction with West Asian countries and the necessity of its coverage* Tehran.
- Gupta, J., Kushwaha, N. N., & Li, X. (2025). Does firm-level political risk influence earnings management? *Review of Quantitative Finance and Accounting*, *64*, 1165-1198. <https://doi.org/10.1007/s11156-024-01330-z>
- Hassani Kalvani, Z., Mahfouzi, G., & Azadi, K. (2023). Analysis of political risk and identification of its related consequences with emphasis on managers' behavioral biases. *11*(2).
- Howlett, M., & Migone, A. (2025). Beyond evidentiary uncertainty: Mitigating political risks in policy designs. *Policy Design and Practice*, *8*(3), 379-391. <https://doi.org/10.1080/25741292.2025.2529624>
- Huang, G. Y., Shen, C., & Wu, Z. X. (2023). Firm-level political risk and debt choice. *Journal of Corporate Finance*, *78*, 102332.

- Jafari, A., & Hosseini, M. (2022). The effect of changes in tax laws on corporate investment decisions under political risk. *23(1)*, 112-128.
- Jafari Fard, Z. (2025). *The impact of firm-level political risk on earnings management*
- Jamshidi, M., & Hosseinzadeh, F. (2023). Political risk and asset returns: Evidence from developing countries. *17(2)*, 128-142.
- Kim, J. B., Tseng, K., Wang, J., & Xi, Y. (2024). Policy uncertainty, bad news disclosure, and stock price crash risk. *Journal of Empirical Finance*, *78*, 101512.
- Lotfi, M., & Delshad, A. (2026). Investigating the impact of political risk on corporate social responsibilities with emphasis on the moderating role of operational flexibility and managerial stability. *Asset Management and Financing*, *14(1)*, 125-146.
- Marolla, C. (2023). The dynamics of global risks: Sociopolitical risks in strategic management and policy decisions. In *Developments in Managing and Exploiting Risk, Volume 4: Socio-Political Risks Management: Assessing and Managing Global Insecurity* (pp. 3-18). De Gruyter.
- Panesh, K. (2025). Theoretical aspects of the political risk management model. *Society Politics Economics Law*.
- Sadeghi, H., & Jalali, S. (2024). Analysis of political risks and their relationship with corporate financial performance. *24(2)*, 150-160.
- Soleimani, M. (2024). Analysis of political risks and their impact on corporate strategic policies. *17(3)*, 140-155.
- Xu, Z., & Shi, J. (2025). Research on the national security risk assessment model: A case study of political security in China. *Humanities and Social Sciences Communications*, *12*, 906. <https://doi.org/10.1057/s41599-025-05278-w>
- Zare, M. H., Ansari Samani, H., Simin, N., & Mahmoudi, Z. (2021). The impact of economic, political, and financial risk on capital flight: A dynamic panel approach. *Modern Economy and Trade*, *16(1)*, 95-127.